

تقدیم به مادر فداکار

و

همسر مهربانم

تعهد نامه

اینجانب سودابه رفیعی سخائی اعلام می‌دارم که تمام فصل‌های این پایان‌نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار توسط اینجانب انجام شده است. برداشت از نوشته‌ها، کتب، پایان‌نامه‌ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیر فارسی) با ذکر مآخذ کامل و به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوئلیت آن به طور مستقیم به عهده اینجانب خواهد بود.

امضاء

تاریخ

حمد و سپاس

سپاس خدای عزوجل را که ادب شکرگزاری آموخت و توفیق علم آموزی عطا نمود و درود بی‌کران بر فرستاده آخرینش که الگوی ادب و اسوه اخلاق و روشنگر مسی‌ر همه بندگان است.

تقدیر و تشکر

سپاس از مادر نازنین و مهربانم که هر آن چه مهربانی در توان دارد بر من ارزانی داشته، از پدر عزیزم که در راه تحصیل علم همواره مشوقم بوده است، از همسر عزیزم به خاطر همه تشویق ها و همراهی هایش، از خواهر و برادر عزیزم به خاطر دلگرمی هایشان، از خانواده مهربان همسرم که محبت شان همراه روزهای تنهایی ام در تهران بوده است.

سپاس از اساتید ارجمندم جناب آقای دکتر فرزاد سجودی و جناب آقای شهرام زرگر که راهنمایی این پایان نامه را قبول زحمت نمودند و استاد ارجمندم جناب آقای دکتر بهروز محمودی بختیاری که بدون کمک های بی دریغشان نگارش این رساله ممکن نبود، به جاست از ایشان تشکر ویژه ای به جهت معرفی و در اختیار قرار دادن منابع داشته باشم.

از دوستان عزیزم سمیه یعقوبی، مرتضی سعیدیان، محمد حسین قمیان به خاطر کمک هایشان کمال تشکر را دارم.

چکیده

هدف از این پژوهش تحلیل گفتمان ادب در شخصیت پردازی و پیش برد کنش نمایشنامه است. برای شناسایی ادب زبانی مکالمه های رد و بدل شده بین گزیده ای از شخصیت های نمایشنامه های ایرانی تحلیل شده است و نوع استراتژی های ادب به کار رفته توسط این شخصیت ها شناسایی شده است. چنین تحلیلی به این مقوله می پردازد که چگونه شخصیت ها از ادب زبانی استفاده می کنند و زبان را به عنوان وسیله ای برای نیل به هدف دست کاری می کنند.

استفاده از تدبیرهای زبان شناختی در بسیاری از موقعیت ها از زندگی روزمره تا دنیای دراماتیک می تواند ما را در نیل به اهداف مورد نظر و تعامل اجتماعی موفق یاری کند. ادب در حوزه زبان شناسی عبارت است از تدبیرهای دست کاری زبان برای رسیدن به هدف های مکالمه از طریق گفتن آن چه از نظر اجتماعی مناسب است. در این بین گفتارهای مؤدبانه و گفتارهای نامؤدبانه به ویژه در دنیای درام و نمایشنامه نقش مهمی به خود اختصاص می دهند.

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی- تحلیلی است که در آن از نظریه ادب براون و لوینسن برای تحلیل دیالوگ های نمایشنامه "از تاریکی" (اثر محمد یعقوبی) و "ملودی شهر بارانی" (اثر اکبر رادی) استفاده شده است.

یافته های پژوهش حاکی از آن است که شخصیت های نمایشنامه تا حد زیادی از استراتژی های ادب برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران استفاده می کنند. همه شخصیت ها بسته به موقعیت و بافتی که در آن حرف می زنند نوعی استراتژی ادب انتخاب می کنند. شخصیت هایی که در نمایشنامه از قدرت نسبی کم تری در برابر مخاطب خود برخوردارند به مقدار بیشتری به وجهه مخاطب خود توجه دارند و از ادب بیشتری در تعاملات خود برخوردارند.

کلید واژه: استراتژی ادب- نمایش نامه - شخصیت پردازی - زبان شناسی اجتماعی - ملودی شهر

بارانی- از تاریکی

فهرست مطالب

فصل اول	۳
کلیات تحقیق	۳
۱-۱ مقدمه	۴
۲-۱ بیان مسئله	۵
۳-۱ ضرورت انجام پژوهش	۹
۴-۱ اهداف تحقیق	۱۰
۴-۱ سوالات تحقیق	۱۱
۵-۱ روش تحقیق	۱۲
۶-۱ تعریف اصطلاحات و واژه های پژوهش	۱۴
فصل دوم	۱۶
پیشینه پژوهش	۱۶
۱-۲ ادب زبانی	۱۷
۱-۲-۱ مفهوم ادب	۱۷
۲-۱-۲ چشم اندازهای مختلف ادب	۱۸
۳-۱-۲ اصول همکاری گرایس	۱۹
۴-۱-۲ قواعد لیکاف برای ادب	۲۱
۵-۱-۲ اصول لیچ و قواعد تعامل	۲۳
۶-۱-۲ تئوری ادب براون و لوینسن	۲۷
۲-۲ بی ادبی	۲۸
۲-۲ تحلیل زیانشناختی نمایشنامه	۲۹
۳-۲ پژوهش های انجام شده در کشورهای دیگر	۳۰
۴-۲ پژوهش های انجام شده در ایران	۳۱

۳۷.....	فصل سوم
۳۷.....	چهارچوب نظری
۳۸.....	۳-۱ نظریه ادب براون و لوینسن
۳۹.....	۳-۱-۱ وجهه
۴۰.....	۳-۱-۲ کنش های تهدیدگر و وجهه
۴۱.....	۳-۱-۳ متغیرهای اجتماعی موثر در تهدید و وجهه
۴۲.....	۳-۱-۴ استراتژی های ادب
۴۵.....	۳-۲ بی ادبی
۴۶.....	۳-۳ زبان دراماتیک و زبان روزمره
۴۶.....	۳-۴ دیالوگ و شخصیت در نمایشنامه
۴۷.....	۳-۵ کنش
۵۰.....	فصل چهارم
۵۰.....	یافته های پژوهش
۵۱.....	۴-۱ بررسی نمایشنامه از تاریکی
۵۱.....	۴-۱-۱ خلاصه اتفاقات نمایشنامه از تاریکی
۵۶.....	۴-۱-۳ کنش در نمایشنامه
۵۸.....	۴-۲ بررسی نمایشنامه ملودی شهر بارانی
۵۸.....	۴-۲-۱ خلاصه اتفاقات نمایشنامه ملودی شهر بارانی
۵۹.....	۴-۲-۲ شخصیت های نمایشنامه و نظریه ادب
۶۶.....	۴-۲-۳ کنش نمایشنامه
۶۹.....	فصل پنجم بحث و نتیجه گیری
۷۲.....	فهرست منابع
۷۵.....	پایان نامه عملی

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

هدف از این پژوهش تبیین نقش استراتژی های ادب در شخصیت پردازی و پیش برد کنش نمایشنامه است. به این منظور مکالمه های رد و بدل شده بین شخصیت های گزیده ای از نمایشنامه های ایرانی بر اساس نظریه ادب براون و لوینسن^۱ ۱۹۷۸ و نظریات جاناتان کالپر^۲ درباره بی ادبی مورد تحلیل قرار می-گیرد. چنین تحلیلی به این مقوله می پردازد که چگونه شخصیت ها از زبان استفاده می کنند و آن را به عنوان وسیله ای برای نیل به هدف دستکاری می کنند. هر دو این نظریات در اصل برای تحلیل گفتگو در دنیای واقعی شکل گرفته اند ولی از آن ها می توان در تحلیل گفتگو های متون نمایشی نیز استفاده کرد. در سالهای اخیر نمایشنامه های زیادی از جمله آثاری از ادوارد آلبی، آرتور میلر و پینتر با این رویکرد نظری مورد تحلیل قرار گرفته اند. پژوهش حاضر در پنج فصل تدوین شده است که در فصل اول آن به کلیات تحقیق پرداخته شده است. در این فصل پس از بیان مسئله به ضرورت انجام پژوهش و اهداف آن اذعان شده است. فصل دوم اختصاص به پیشینه و ادبیات پژوهش دارد. در این فصل تاریخچه نظریه ادب و آراء افراد مختلف مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه به پژوهش هایی که در کشور های مختلف و ایران انجام شده پرداخته شده است. در فصل سوم به طور کامل به نظریه ادب و مقوله بی ادبی پرداخته شده و مفاهیم اساسی مطرح در این نظریه و استراتژی های ادب توضیح داده شده است. فصل چهارم به مطالعه موردی این پژوهش شامل نمایشنامه های "از تاریکی" اثر محمد یعقوبی، "ملودی شهر بارانی" اثر اکبر رادی^۳ اختصاص دارد. این دو نمایشنامه به عنوان نمونه هایی از آثار دو نمایشنامه نویس معاصر ایرانی انتخاب شده است. فصل پنجم به نتایج حاصل از این پژوهش می پردازد.

^۱ Brown and Levinson

^۲ Jonathan Culpeper

۱-۲ بیان مسئله

زبان رامی‌توان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های انسان به شمار آورد که بدون آن تعامل و ارتباط غیر ممکن است. زبان‌شناسی به عنوان علمی که موضوع مطالعه در آن، زبان یعنی یکی از پیچیده‌ترین توانایی‌های انسان است، در پی آن است تا به کمک شناخت علمی پرده از اسرار این نیروی شگرف بردارد. در آغاز قرن حاضر تحت تاثیر دستاورد‌های سوسور، مرکز ثقل در مطالعات زبان‌شناسی، ساختار زبان و به تبع آن جنبه‌های صوری زبان بود. در این برهه که تا اواسط دهه پنجاه میلادی به طول انجامید، سیطره علم زبان‌شناسی، یکسره در اختیار زبان‌شناسان مکتب‌های مختلف ساختگرایبی بود. تلقی عمومی در این دوره، آن بود که زبان نوعی رفتار است و هم‌چون دیگر رفتارهای آدمی، می‌توان با مورد مطالعه قراردادن جنبه‌های صوری آن به شناخت آن نائل شد. در اواسط دهه پنجاه میلادی بود که با شکل گرفتن مکتب (زایشی-گشتاری) در زبان‌شناسی راه برای نگرشی دیگر به زبان گشوده شد. چامسکی این تفکر را سامان بخشید که زبان قوه خلاقه‌ای است که ریشه در ذهن آدمی دارد و زبان‌های گوناگون، هریک تجلی خاصی از این قوه جهان‌شمول هستند. (روبینز ۱۳۷۱، صص. ۳۷۲-۷۹). در این دوره زبان نه به عنوان نوعی رفتار بلکه بیشتر به عنوان پدیده‌ای تلقی شد که ماحصل ذهن آدمی است و به تبع آن وظیفه زبان‌شناس نیز آن است که با تکیه بر جنبه‌های صوری به شناخت این قوه جهان‌شمول نائل آید. اما بیشتر زبان‌شناسانی که در عرصه مکاتب ساخت‌گرایی یا زایشی-گشتاری فعالیت می‌کردند از کارکرد زبان به عنوان نهادی اجتماعی غافل ماندند. در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، مطالعات زبان‌شناسانی چون لباو و فیشر، مردم‌شناسانی چون مالینوسکی و فلاسفه‌ای چون آستین و سرل این ضرورت مهم را آشکار ساخت که آن بخش از مطالعات زبان‌شناسی که در آن به نقش اجتماعی و بین‌شخصی زبان و کاربرد آن و تنوعات و گوناگونی‌های مختلف زبان توجه نشود، مطالعات ناقصی خواهد بود، زیرا زبان به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی موظف به ایفای نقش‌های مختلف و برآوردن نیازهای متنوع است. (پاکروان، ۱۳۸۳، ص. ۵۷) در همین دوره است که ضرورت مطالعاتی از این دست باعث به وجود آمدن شاخه‌های جدیدی در علم زبان‌شناسی مانند جامعه‌شناسی زبان، کاربردشناسی و تحلیل‌گفتمان می‌شود.

کاربردشناسی مطالعه معنی است؛ معنایی که گوینده (یا نویسنده) آن را منتقل و شنونده (یا خواننده متن) برداشت می‌کند و نه معنایی که ویژگی دستوری جمله هاست. این معنی با کاربر و کاربرد زبان در

موقعیت مرتبط می‌شود و تفسیر آن تنها با در نظر داشتن کاربران و منظور آنان در موقعیت خاص ممکن است (پاکروان، ۱۳۸۳، ص. ۵۷). بنابراین، کاربرد شناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره گفت هایشان سرو کار دارد تا با معنی خود کلمات یا عباراتی که به کار می‌برند. کاربردشناسی بررسی منظور گوینده است. این گونه بررسی مستلزم توجه به این نکته است که چگونه سخن گویان کلام خود را با در نظر گرفتن مخاطب، مکان، زمان و شرایط حاکم سازمان دهی می‌کنند. بنابراین، کاربردشناسی بررسی معنی بافتی است. (یول، ۱۳۸۹، ص. ۱۱) این رویکرد در پی پاسخ به این پرسش است که کدام عوامل تعیین می‌کنند چه چیز باید بر زبان آید و چه چیز ناگفته بماند. پاسخ اساسی به این پرسش با مفهوم فاصله بین گوینده و شنونده مرتبط است. مفهومی که در نظریات ادب بسیار مورد توجه است. نظریه ادب یکی از زیر مجموعه های کاربردشناسی است که زبان را به عنوان یک نهاد اجتماعی در نظر می‌گیرد. نزدیک به چهار دهه از مطالعه ادب در علم زبان‌شناسی می‌گذرد. (حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۸۱) در این مدت افراد زیادی از جمله لیکاف و لیچ به پژوهش در این زمینه پرداخته اند. اما مدل ادب براون و لوینسن هم چنان کاربردی ترین رویکرد در تحلیل ادب زبانی است. زبان دارای یک مولفه محتوایی و یک مولفه ارتباطی است. براون و یول (۱۹۸۳) این دو بعد از زبان را نقش های تراکنشی^۱ و برهم کنشی^۲ زبان می‌نامند. به کارگیری زبان برای بیان محتوا را نقش تراکنشی و کاربرد زبان را در بیان روابط اجتماعی و نگرش های فردی نقش برهم کنشی می‌نامند. در نظریه ادب بعد برهم کنشی ارتباط کلامی مورد توجه قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۸۰). در هر ارتباط کلامی وجود شش جزء ضروری است. این شش عبارت اند از: بافت، گوینده، پیام، مخاطب، مجرا و رمزگان. زبان کارکرد های گوناگونی دارد که هر یک از جهت گیری پیام به سوی یکی از این شش جزء ناشی می‌شود. اگر جهت گیری پیام به سوی بافت باشد، کارکرد ارجاعی، اگر به سوی گوینده باشد کارکرد عاطفی، اگر به سوی مخاطب باشد کارکرد ترغیبی، اگر به سوی مجرا باشد کارکرد همدلی، اگر به سوی رمزگان باشد کارکرد فرازبانی و اگر به سوی پیام باشد کارکرد شعر خواهد داشت. در نظریه ادب با کارکرد کنشی زبان سروکار داریم. برای آن که یک کنش گفتار با موفقیت روبرو شود باید در موقعیت مناسب ادا شود. به عنوان مثال برای این که یک دستور با اطاعت مواجه می‌شود نیازمند برخی شرایط مقدماتی است از جمله این که گوینده از قدرت

¹ Transactional

² Interactional

بیشتری برخوردار باشد. نوع کنش گفتارهایی که مردم تمایل دارند از آن استفاده کنند می تواند به میزان قدرتی که در برابر دیگران، منظور و جایگاه اجتماعی آن ها مربوط شود.

مفاهیم کلیدی در نظریه براون و لوینسن عبارت اند از وجهه^۱، کنش های تهدید کننده وجهه^۲، متغیر های اجتماعی که شدت تهدید وجهه را تحت تأثیر قرار می دهند و استراتژی هایی که برای متعادل کردن تهدید وجهه به کار می روند.

ادب در نظریه براون و لوینسون عبارت است از توجه به وجهه شنونده و به کار گیری استراتژی هایی برای کاهش تهدید آن. (حسینی، ۱۳۸۸، ص. ۸۱) به عبارت دیگر به مجموعه ای از استراتژی ها که زبان برای کاهش تهدید وجهه در اختیار سخنگویان خود قرار می دهد ادب زبانی گفته می شود. براون و لوینسن برای کاهش تهدید وجهه استراتژی هایی را معرفی می کنند که به آن ها استراتژی های ادب می گویند. در فصل سه به طور کامل به این استراتژی ها و ابعاد مختلف این نظریه پرداخته می شود. در این پژوهش از نظریه ادب برای تحلیل دیالوگ های نمایشنامه های "از تاریکی" اثر محمد یعقوبی، "ملودی شهر بارانی" اثر اکبر رادی و استفاده شده است و هدف از این پژوهش عبارت است از بررسی این که چگونه شخصیت ها از استراتژی های ادب مطرح شده در این نظریه برای پیش برد اهداف خود و کاهش تهدید وجهه مخاطب بر اساس قدرت نسبی و فاصله اجتماعی که در برابر او دارند استفاده می کنند. مسئله دیگری که مورد توجه قرار گرفته است اثر استفاده از این استراتژی ها در پیش برد اتفاقات و کنش های نمایشنامه است.

ادبیات و زبانشناسی از دیرباز ارتباط نزدیکی باهم داشته اند اما در این بین نمایشنامه در مقایسه با سایر انواع ادبی کم تر مورد توجه کسانی که به سبک شناسی مطالعه و تفسیر متون از منظر زبانشناسی^۳ پرداخته اند قرار گرفته است. از این رو بررسی نمایشنامه از منظر زبانشناختی اهمیت ویژه ای می یابد. اگرچه نمایشنامه های انگلیسی زبان موضوع تحقیقات زبان شناختی بسیاری بوده اند، نمایشنامه های فارسی از این جهت مورد کم لطفی واقع شده اند. پژوهش حاضر سعی کرده است گامی هر چند کوچک در این جهت بردارد و به این منظور از نظریه ادب به عنوان چهارچوب نظری استفاده کرده است. استفاده از تدبیر های زبان شناختی از جمله استراتژی های ادب در بسیاری از موقعیت ها از زندگی روزمره می تواند ما را

¹ Face

²Face Threatening Acts (FTAs)

³ Stylistics analyze

در نیل به اهداف مورد نظر و تعامل اجتماعی موفق یاری کند. بررسی نحوه استفاده از این استراتژی ها توسط شخصیت های دراماتیک می تواند به شناخت ما از روابط آن ها در دنیای دراماتیک کمک کند. در تحلیل نمایشنامه بر اساس این نظریه علاوه بر در نظر گرفتن کنش گفتاری که گوینده انجام می دهد به نحوه اجرای این کنش گفتار نیز توجه می شود. در پرداختن به کنش و اتفاقات نمایشنامه های مزبور از نظریات مطرح شده درباره بی ادبی نیز استفاده شده است. چرا که بی ادبی به عنوان تعاملی ناسازگارانه در مولد کشمکش است و از این جهت مهم به شمار می آید. کشمکش در هر لحظه می تواند تعادل نمایشنامه را بر هم زده و نتیجه مکالمه را از سود یکی به سود دیگری تغییر دهد و با ایجاد این تعلیق که پیش آمد بعدی چیست باعث پیش برد طرح نمایشنامه می شود. معیار تمایز ادب و بی ادبی بر اساس نظریه ادب عبارت است از میزان تهدید و جبهه به عنوان نماد هویت اجتماعی. به عنوان مثال جملات می تونست بهتر از این باشه، خوب نبود، بد بود، مزخرف بود، مخت گندیده ها حالت های مختلف اظهار نظر فردی در مورد نوشته فردی دیگر است که مفهومی یکسان را با کلماتی متفاوت بیان می کنند. میزان تهدید و جبهه در این جملات به ترتیب بیشتر می شود از این رو این جملات سیر مودبانه به بی ادبانه دارند. ادب زبانی را می توان در گفتارهای رسمی و نیمه رسمی بیان نمود. گفتارهای رسمی اصطلاحات زبانی هستند که در شکل های تشریفاتی بکار می روند. در طرف دیگر، گفتارهای نیمه رسمی در ارتباط های روزمره اجتماعی بکار می روند و در شرایط مختلف نحوه استفاده از آنها نسبت به طبقه اجتماعی و وضعیت موجود متفاوت است. ذکر این نکته لازم است که اگرچه هیچ اصطلاح زبانی بطور ذاتی مودبانه یا غیرمودبانه نیست ولی برخی اصطلاحات، در شرایط خاص، می توانند بصورت مودبانه و یا غیرمودبانه تعبیر شوند. برخی از این اصطلاحات می تواند برای کاستن تاثیر منفی پاسخ ناخوشایند و برای رسیدن به رضایت دوطرفه در مکالمه استفاده شوند. به علاوه دوطرف گفتگو تمایل دارند تا ارتباط خود را بطور پیوسته ارزیابی نمایند و توجه خود را به سمت درک رفتار مودبانه و یا غیر مودبانه در وضع موجود سوق دهند.

۳-۱ ضرورت انجام پژوهش

هر پژوهش باید دلایل موجهی برای وجود خود داشته باشد چرا که برای انجام آن نیروی انسانی، زمان و هزینه صرف می‌شود. ادب و بی ادبی مقوله‌هایی جدید در دنیای مدرن اند و هر مقوله جدید تا رسیدن به ساختاری محکم مستعد تزلزل است با این حال نظریه مزبور پایه پژوهش‌های بسیاری در نقاط مختلف دنیا بوده است. اما در ایران به ویژه در قلمرو درام فارسی حضور کم رنگی داشته است، اگرچه در دهه‌های اخیر این نظریه در بستر‌هایی چون مکالمات روزمره مورد توجه قرار گرفته است اما در زمینه متون نمایشی بدان پرداخته نشده است. ضرورت انجام این پژوهش از ضرورت پرداختن به متن نمایشنامه ناشی می‌شود. از آن جا که نمایشنامه متنی است که با هدف اجرا نگاشته می‌شوند برای بسیاری از افراد خواندن متن نمایشنامه تجربه ناقصی است و درک کامل نمایشنامه با دیدن اجرای آن حاصل می‌شود. اما این عقیده به آن محکمی که ممکن است در ذهن برخی افراد جلوه کند نیست و درک صحیح نمایشنامه به واسطه خواندن آن نیز می‌تواند حاصل شود. در واقع اجرای هر نمایشنامه تفسیر خاصی است که کارگردان از متن نمایشنامه ارائه می‌دهد و متن نمایشنامه مرجع ثابتی است که اجراها یا به عبارت دیگر تفسیرهای متنوعی درباره آن می‌تواند ارائه شود. این خواندن متن نمایشنامه است که نکات ضروری اجرا را در اختیار ما قرار می‌دهد. اما حتی اگر فرض بر این باشد که کنه مطلب در اجرای نمایشنامه ادا می‌شود تحلیل زبانشناختی نمایشنامه می‌تواند در درک کامل نمایشنامه بسیار کمک کننده باشد و چه بسا ابزارهای ظریفی برای اجرای متن در اختیار افراد قرار دهد. مستقل شناختن متن نمایشنامه و تحلیل زبانشناختی آن به معنی مخالفت با ضرورت اجرای نمایشنامه و زیر سوال بردن لذت تماشای آن نیست بلکه به رسمیت شناختن آن به عنوان متنی ادبی است که در عین حال شالوده یک اجرای تئاتری خوب به شمار می‌آید. در این پژوهش تحلیل زبانشناختی نمایشنامه بر پایه نظریه ادب انجام می‌شود. به راستی چرا پرداختن به نظریه ادب در حوزه نمایشنامه ضرورت دارد. در حالت کلی ادب عبارت است از استراتژی‌های دستکاری زبان برای تسریع دستیابی به هدف‌های مکالمه. این دستکاری زبان با گفتن آنچه که از نظر اجتماعی مناسب جلوه می‌کند اتفاق می‌افتد. ادب به عنوان یک چهارچوب زبانشناختی متغیرهایی چون وجهه، قدرت و فاصله اجتماعی را کنار هم قرار داده و با مرتبط کردن آن‌ها به استراتژی‌های زبانی می‌تواند به ما در فهم اینکه چگونه شخصیت‌ها خود را در موقعیت‌های مختلف

نسبت به دیگران قرار می‌دهند، چگونه شخصیت‌ها در مسیر هدفشان دیگران را دست‌خوش تغییر می‌کنند و چگونه طرح‌نمایشنامه پیش می‌رود به ماکمک کند.

۱-۴ اهداف تحقیق

۱-۴-۱ اهداف اصلی

بررسی نقش ادب در شخصیت‌پردازی نمایشنامه.

بررسی نقش ادب در پیش‌برد کنش نمایشنامه.

۱-۴-۲ اهداف فرعی

بررسی نقش استراتژی‌های ادب در شخصیت‌پردازی نمایشنامه.

بررسی تاثیر متغیرهای اجتماعی قدرت و فاصله بر نوع استراتژی‌های ادب مورد استفاده شخصیت‌ها.

بررسی تاثیر بی‌ادبی بر ایجاد تنش در نمایشنامه.

۱-۴ سوالات تحقیق

از آن جایی که این تحقیق توصیفی- تحلیلی است فاقد فرضیه بوده و پرسش مطرح می‌کند.

۱. متغیرهای اجتماعی مؤثر در کاهش تهدید و جبهه چه تأثیری بر تعامل شخصیت‌ها دارند؟
۲. شخصیت‌های قدرتمند و ضعیف کدامیک از استراتژی‌های ادب را برای حفظ وجهه دیگران به کار می‌برند؟
۳. استراتژی‌هایی که شخصیت‌ها در دیالوگ‌های خود به کار می‌برند بر وقوع کنش نمایشنامه اثر گذار است یا نه؟

۱-۵ روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. به گفته گال بورگ و گال^۱ ۲۰۰۳ پژوهش کیفی نوعی بررسی با زمینه این مفروضه است که افراد، حقیقت اجتماعی را به صورت معانی و تفسیرها می‌سازند، و این ساخته‌ها هم تابع شرایط و موقعیت و هم انتقالی است. روش‌شناسی مسلط آن کشف معانی و تفسیرهای فشرده در محیط‌های طبیعی به گونه‌ای است که موضوع آن داده‌های حاصل از استقرا تحلیلی باشد. به گونه کلی پژوهش کیفی به سوی درک دنیای طبیعی توجیه می‌شود و ماهیت آن کاملاً تفسیری است. (هومن، ۱۳۸۵، ص. ۱۴) در میان پژوهش‌های کیفی، تحقیقات گسترده‌ای در مورد زبان و ارتباط انجام شده است چرا که این دو مقوله وجوه اساسی حیات اجتماعی را تشکیل می‌دهند. پژوهش‌گران کیفی، علایق متفاوتی درباره مطالعه ارتباط دارند و سوالاتی از این قبیل مطرح می‌کنند: چگونه زبان کار می‌کند؟ چگونه افراد معنی را از متن به دست می‌آورند؟ (گال، بورگ، & گال، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۹۸) بسیاری از اعمال ارتباطی، شکل داستان‌گویی، قصه‌های عامیانه، حکایت‌ها و نظیر آن‌ها را در قالب‌های مختلفی چون نمایشنامه، قصه‌گویی شفاهی داستان‌های کوتاه و فیلم آشکار می‌سازد. این اعمال ارتباطی روایت‌هایی هستند که آن‌ها را به این صورت تعریف می‌کنیم: استفاده از قالبی ارتباطی برای سازمان دادن به بازنمودها و تبیین‌های مربوط به تجارب شخصی و اجتماعی. پژوهش‌گران، روش‌های رشته‌های مختلف را برای تحقیق درباره ویژگی‌های روایت‌ها مورد استفاده قرار داده‌اند. از جمله این روش‌ها موارد زیر را می‌توان نام برد: تحلیل گفتگو که مطالعه قواعد کنش‌های گفتاری میان دونفر است؛ زبان‌شناسی اجتماعی که مطالعه آثار ویژگی‌های اجتماعی هم چون سن و موقعیت اجتماعی-اقتصادی بر استفاده از زبان است. (ن.ک به همان ص. ۱۰۹۹) در این پژوهش تحلیل دیالوگ‌های نمایشنامه‌های "از تاریکی" اثر محمد یعقوبی، "ملودی شهر بارانی" اثر اکبر رادی و به عنوان دو نمایشنامه معاصر فارسی بر اساس نظریه ادب مورد تحلیل قرار گرفته و نتایج بدست آمده توصیف شده است. برای بررسی ادب در شخصیت پردازی نمایشنامه رابطه کلامی شخصیت‌ها به صورت روابط دو نفره تقسیم شده و مفاهیم مطرح شده در نظریه ادب در هریک از روابط کلامی مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی نقش ادب در پیشبرد کنش نمایشنامه بخش‌هایی از نمایشنامه

¹Gall, Borg&Gall

که شخصیت های اصلی از یک موقعیت به موقعیتی دیگر گذر اختیاری دارند انتخاب شده و نحوه استفاده شخصیت ها از استراتژی های ادب در گذار از موقعیت ها مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۶ تعریف اصطلاحات و واژه های پژوهش

کاربردشناسی^۱: یکی از حوزه‌های زبان‌شناسی است که به بحث درباره تأثیر بافت بر معنا می‌پردازد. کاربردشناسی مطالعه معنی است؛ معنایی که گوینده (یا نویسنده) آن را منتقل و شنونده (یا خواننده متن) برداشت می‌کند. از این رو کاربردشناسی بیشتر با تحلیل منظور افراد از پاره گفتهایشان سرو کار دارد تا با معنی خود کلمات با عباراتی که به کار می‌برند. کاربردشناسی بررسی منظور گوینده است.

ادب زبانی: استراتژی‌های مورد استفاده در ارتباط سازگاران و تدبیرهای دست کاری زبان برای رسیدن به هدف‌های مکالمه با گفتن آن چه که از نظر اجتماعی مناسب است.

تئوری ادب براون و لوینسن: تئوری زبان شناختی که در سال ۱۹۷۸ توسط براون و لوینسن تدوین شد، در این نظریه ادب عبارت است از توجه به وجهه^۲ شنونده و به کارگیری استراتژی‌هایی به منظور کاهش میزان تهدید آن.

شخصیت: بازنمودی از یک انسان در داستان یا متن نمایشی (نمایشنامه، فیلم نامه) است. این کلمه ریشه در یونان باستان دارد. در ادبیات شخصیت‌ها به واسطه داستان‌هایی که از سر می‌گذرانند به خواننده کمک میکنند طرح اثر را درک کند. بررسی هر شخصیت مستلزم تحلیل روابط او با شخصیت‌های دیگر است.

دیالوگ: دیالوگ در نمایش صرفاً یک گفتگوی معمولی و روزمره نیست. معمولاً به معرفی شخصیت، مکان و کنش می‌پردازد. در معمول‌ترین شکل خود به صورت یک نظام نوبتی بنا می‌شود. یک شخصیت دیگری را مخاطب قرار می‌دهد و شخصیت مقابل که گوش و سپس پاسخ می‌دهد، به نوبه خود به گوینده تبدیل می‌شود. دوگانگی نقش گوینده- شنونده منش اصلی دیالوگ نمایشی است.

دیالوگ به عنوان گفتمان: مقوله‌ای است برهم کنشی و وابسته به تأثیر متقابل. حالتی از تبادل کلام بین شرکت‌کنندگان است. کلامی که در ارتباط با کلام فرد دیگر مطرح می‌شود.

¹ Pragmatics

² Face

کنش: گذر هدفمند و اختیاری و نه جبری و ناگزیر از یک موقعیت به موقعیت بعدی. هر کنش همواره ساختاری سه تایی را به نمایش می‌گذارد که مولفه های آن عبارتند از: موقعیت موجود، تلاش برای تغییر این موقعیت و موقعیت جدید.